

جریان‌شناسی سلفی‌گری در قفقاز

دکتر شعیب بهمن

www.ketab.ir

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام

www.ketab.ir

سرشناسه: بهمن، شعبان، ۱۴۶۰ - | عنوان و نام پدیدآور: جریان‌شناسی
سلفی‌گری در قفقاز / شعیب بهمن: تهیه‌کننده پژوهشگاه علوم اسلامی
امام صادق (ع). | مشخصات نشر: قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)،
انتشارات زمزم هدایت، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۲۸۴ ص.
| شابک: ۱۰۶۰۰۰۰۰۰ ریال 6-755-246-964-978 | وضعیت فهرست نویسی:
فیفا | یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۶ - ۲۷۲ | موضوع: سلفیه - تاریخ؛
CaucasusSalafiyah - History، سلفیه - قفقاز، --
| موضوع: قفقاز - تاریخ، Caucasus - History | شناسه افزوده:
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع). انتشارات زمزم هدایت | شناسه
افزوده: Imam Sadiq Research Institute of Islamic Sciences.
Zamzam Hedayat | رده بندی کنگره: BP۲۰۷/۵ | رده بندی
دیویی: ۲۹۷/۴۱۶ | شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۷۳۱۶۲



جریان‌شناسی سلفی‌گری در قفقاز

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

نویسنده:	شعبیه بهمن
ناظر علمی:	حسین تقی‌آباد
ناظر نهایی:	مهدی عزیزان
سرگزینار:	حسین قاسم‌حمزه
ویراستار:	زهره استادحسین
وایپایش نهایی:	عبدالرحمن حیاتی‌اصل

ناشر:	زمزم هدایت
صفحه‌آرا:	روح‌الله جلالی
ناظر چاپ:	ابراهیم اسماعیل‌زاده

چاپ:	بلخ
قطع:	وزیری
نوبت:	اول / ۱۴۰۰
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۷۵۵-۶
شمارگان:	۵۰۰
قیمت:	۱۰۶۰۰۰ تومان

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۷۳۵ / همراه: ۰۲۵ ۲۸ ۲۵۳ ۲۸ ۹۱۲

حقوق چاپ و نشر برای انتشارت زمزم هدایت
محفوظ است.

ISBN: 978-964-246-755-6



9 789642

467556

فهرست مطالب

۹ مقدمه
۱۷ فصل نخست معناشناسی سلفی‌گری و جریان‌های سلفی
۱۸ ۱-۱. سلفی و سلفی‌گری
۱۸ ۱-۱-۱. مفهوم و ویژگی‌های فکری سلفی‌گری
۲۰ ۱-۱-۲. پیشینه تاریخی سلفی‌گری
۲۱ ۱-۱-۳. نگاه سلفیه به شیعه
۲۲ ۲-۱. جریان‌های سلفی
۲۳ ۱-۲-۱. سلفی‌گری تبلیغی
۲۴ ۲-۲-۱. سلفی‌گری سیاسی
۲۶ ۳-۲-۱. سلفی‌گری جهادی
۳۰ ۴-۲-۱. سلفی‌گری تکفیری
۳۳ فصل دوم مختصات و ویژگی‌های قفقاز
۳۳ ۱-۲. جغرافیای تاریخی قفقاز
۳۴ ۱-۱-۲. قفقاز شمالی
۳۶ ۲-۱-۲. قفقاز جنوبی
۳۸ ۲-۲. ویژگی‌های قومی-مذهبی قفقاز
۳۸ ۱-۲-۲. تقسیم‌بندی‌های زبانی-قومی
۴۵ ۲-۲-۲. تنوع دینی-مذهبی
۴۹ ۳-۲. وضعیت سیاسی-امنیتی قفقاز
۵۰ ۱-۳-۲. سیاست و حکومت در قفقاز شمالی
۵۳ ۱-۳-۲. چالش‌های حکمرانی در قفقاز جنوبی
۵۸ ۲-۳-۲. بحران‌های امنیتی در قفقاز
۶۵ فصل سوم اسلام و جریان‌های سلفی در قفقاز
۶۶ ۱-۳. پیوند تاریخ قفقاز با اسلام

- ۳-۱-۱. ورود اسلام به قفقاز ۶۷
- ۳-۱-۲. اسلام در دوره تزارها ۶۸
- ۳-۱-۳. اسلام در دوره شوروی ۷۲
- ۳-۱-۴. تجدید حیات اسلام در دوران استقلال ۷۸
- ۳-۱-۵. پیدایش و رشد سلفی‌گری در قفقاز ۸۰
- ۳-۲. ویژگی‌های سلفی‌گری در قفقاز ۹۰
- ۳-۲-۱. قرائت جهادگرایانه ۹۱
- ۳-۲-۲. پیوند با تروریسم ۹۵
- ۳-۲-۳. فراجغرافیایی شدن ۱۰۲
- فصل چهارم عوامل گرایش به سلفی‌گری در قفقاز** ۱۰۸
- ۴-۱. عوامل داخلی ۱۰۸
- ۴-۱-۱. فهم نادرست از اسلام و فقدان نظام آموزش مذهبی ۱۰۹
- ۴-۱-۲. تضعیف تصوف در دوران شوروی ۱۱۱
- ۴-۱-۳. درهم‌تنیدگی نواحی قومی و مذهبی ۱۱۸
- ۴-۱-۴. وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی ۱۲۲
- ۴-۱-۵. انگیزه‌های روانی ۱۲۵
- ۴-۲. عوامل خارجی ۱۲۸
- ۴-۲-۱. تلاش کشورهای عربی برای نفوذ در منطقه ۱۲۸
- ۴-۲-۲. مهاجرت ستیزه‌جویان عرب به قفقاز ۱۳۵
- فصل پنجم کانون‌های سلفی‌گری در قفقاز** ۱۴۰
- ۵-۱. مراکز اصلی سلفی‌گری در قفقاز شمالی ۱۴۰
- ۵-۱-۱. چچن ۱۴۱
- ۵-۱-۲. اینگوش ۱۵۰
- ۵-۱-۳. داغستان ۱۵۴
- ۵-۱-۴. کاباردینو-بالکاریا ۱۶۳
- ۵-۱-۵. قره‌چای - چرکس ۱۶۸
- ۵-۱-۶. جمهوری‌های مختلط مذهبی ۱۷۰
- ۵-۲. مراکز اصلی سلفی‌گری در قفقاز جنوبی ۱۷۵
- ۵-۲-۱. جمهوری آذربایجان ۱۷۶
- ۵-۲-۲. گرجستان ۱۸۶

مقدمه

اسلام‌گرایی و مسائل مرتبط به آن، از موضوعات مهم در عرصه جهانی‌اند که فقط در حوزه علوم دینی باقی نمانده‌اند، بلکه بسیاری از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را نیز در عمل به خود مشغول کرده‌اند؛ از این رو رشته‌هایی مانند علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و روابط بین‌الملل برای تبیین این پدیده، به خصوص در دوران معاصر، بسیار کوشیده‌اند. سلفی‌گری از مفاهیمی است که در دوران معاصر با اسلام در آمیخته است. سلفی‌گری به معنای عام و در جایگاه جریان فکری، سابقه‌ای دیرینه دارد که مختص جهان اسلام یا فرقه مذهبی خاصی نیست، بلکه در بیشتر مکاتب فکری و فرقه‌های دینی و مذهبی، گونه‌ای از سلفی‌گری وجود دارد. سلفی‌گری در اسلام، مفهومی جدیدی نیست و تقریباً در سراسر ادوار مختلف، قرآنت‌های سلفی‌گرایانه از این دین وجود داشته، اما در دوران معاصر، درهم‌آمیختن این رویکرد فکری با مطالبات اجتماعی و سیاسی، روند نوینی را پدید آورده است که می‌توان آن را از جنبه‌های گوناگون بررسی، و درباره آن بحث کرد.

ظهور و گسترش فعالیت سازمان‌هایی مانند القاعده و رخدادهایی همانند یازده سپتامبر ۲۰۰۱م. موجب شد که سلفی‌گرایی به معنا و مفهوم بنیادگرایی و افراط‌گرایی دینی تقلیل یابد. چنان‌که سلفی‌گری با مفاهیم مترادف با تندروی اسلامی در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای جهان کاربرد فراوانی یافت. در عین حال، رخداد یازده سپتامبر، اسلام‌گرایی را از مباحث علمی به سمت تبلیغات سیاسی سوق داد؛ بر این اساس نوع خاصی از نگرش به اسلام در رسانه‌های غربی معرفی شد که دربرگیرنده قرآنتی خشن و ستیزه‌جویانه بود. تحولات بعد جهان اسلام و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی همچون داعش در عراق و سوریه نیز مزید بر علت شد تا سلفی‌گرایی به معنای تندروی و افراط‌گرایی اسلامی تعبیر شود.

در این بین طی دهه‌های اخیر، به خصوص پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی،

سلفی‌گری به قرآنی جذاب برای مردم منطقه قفقاز بدل شده است؛ چنان‌که جریان‌های سلفی و دولت‌های حامی آن‌ها به شیوه‌های گوناگون برای ترویج این تفکر در قفقاز گام برداشته‌اند. با وجود آنکه سلفی‌گری در قفقاز جریانی وارداتی محسوب می‌شود، این تفکر به دلیل چالش‌های درونی قفقاز، همچون جدایی طلبی‌های قومی و فقدان آگاهی عمومی درباره اسلام یک‌باره توانست در سراسر منطقه گسترش یابد. البته بخش مهمی از آنچه سلفی‌گری در منطقه قفقاز شناخته می‌شود، در واقع همان وهابیت است؛ چنان‌که نمی‌توان تمایز چندانی میان دو مفهوم سلفی و وهابی میان مردم قفقاز قائل شد.

اصلی‌ترین گروه‌های سلفی در منطقه قفقاز، سلفی‌های جهادی و تکفیری‌اند. علت اصلی ترویج این نوع از سلفی‌گرایی در منطقه قفقاز را باید در موقعیت جغرافیایی و چالش‌های درونی این منطقه جست. بر این اساس از مهم‌ترین دلایل گرایش جریان‌های سلفی به قفقاز موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این منطقه است که در سطح نظام بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای دارد. از دیرباز قدرت‌های بزرگ به این منطقه توجه داشته‌اند، و همواره این منطقه تحت تاثیر معادلات امنیتی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته است. اگرچه قفقاز در سال‌های تحت حاکمیت شوروی اهمیت استراتژی خود را تا حد بسیاری از دست داد، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یکباره این منطقه در کانون تحولات ژئوپلیتیک و معادلات امنیتی قرار گرفت.

در واقع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در جایگاه ابرقدرتی که بر همه مسائلی خرد و کلان قفقاز مسلط بود، باعث پدید آمدن موقعیت جدیدی در قفقاز شد که با خود پیامدهای امنیتی متعددی همراه داشت؛ به خصوص اینکه هیچ‌یک از کشورهای منطقه آمادگی مقابله با دگرگونی‌های عمیق ژئوپلیتیک پس از فروپاشی شوروی را نداشتند. بر این اساس فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جنبه‌های گوناگون بر وضعیت این منطقه اثر گذاشت. سرعت فروپاشی شوروی و کیفیت پیش‌بینی ناپذیر آن، یک عامل مهمی بود که وضعیت قفقاز را دگرگون کرد؛ به خصوص اینکه این روند در بطن خود باعث بروز چند مسئله مهم شد و هریک به‌نحوی، زمینه را برای گسترش تفکرات و جریان‌های سلفی فراهم کردند:

نخست آنکه، فروپاشی شوروی موجب به وجود آمدن خرده سیستم منطقه ای جدید در سطح بین المللی شد؛ این منطقه، که پیش تر تحت سلطه شوروی قرار داشت و عملاً قادر نبود مستقیم در عرصه منطقه ای و بین المللی ایفای نقش کند، یکباره با نقشی جدید در نقشه جهان پدیدار شد؛

دوم آنکه، تقسیم قفقاز به دو قسمت، پیامدهای بسیاری از حیث سیاسی، اقتصادی و امنیتی داشت. جمهوری های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، دولت های تشکیل شده مستقل در قفقاز جنوبی و سرزمین های باقی مانده جمهوری یا مناطق خودمختار و نیمه خودمختار شکل گرفته در قفقاز شمالی در داخل مرزهای روسیه، هریک باعث بروز وضعیت امنیتی منحصر به فردی شدند؛

سوم آنکه، بروز و ظهور مسائل قومی در جایگاه نخستین نشانه اختلاف و درگیری موجب تشدید مسائلی شد که با شدت، منطقه را از نظر امنیتی شکننده کرد؛ چنان که برخی اقوام با آنکه در دو سوی قفقاز جنوبی و شمالی یا تقسیم بندی های داخلی جدید قرار گرفتند، همچنان به حفظ یکپارچگی خود تمایل عمیقی داشتند؛

چهارم آنکه، کشورهای قفقاز جنوبی پس از استقلال، به دلیل پیشینه تاریخی خود و پدیدار شدن فضای جدید سیاسی در منطقه و جهان برای کسب موقعیت جدید در منطقه و تنظیم پیوندهای خارجی خود بسیار کوشیدند. تمایلات داخلی کشورها همراه علاقه قدرت ها برای حضور در منطقه و تحولات ناشی از فروپاشی، به عوامل اثرگذار در وضعیت امنیتی قفقاز مبدل شدند. به خصوص که این تحولات و عوامل اثرگذار، از سویی موجب واگرایی تدریجی جمهوری های قفقاز، به ویژه دو جمهوری گرجستان و آذربایجان از روسیه و جامعه کشورهای همسود شد؛ و از سوی دیگر، زمینه را برای حضور بازیگران جدید، به ویژه کشورهای عربی و غربی، مهیا کرد؛

پنجم آنکه، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث بروز فضایی جدید برای رقابت تفکرات دینی و به خصوص اسلامی در منطقه قفقاز شد. مردم منطقه، که به واسطه سال ها حکمرانی روس ها در قالب دو نظام سیاسی تزاری و شوروی امکان برقراری ارتباط با دیگر

مسلمانان را نداشتند، یکباره با فضای جدیدی روبرو شدند. از سوی دیگر، بازیگران مختلف، به خصوص کشورهای عربی، نیز برای صدور تفکرات ایدئولوژیک خود در قالب قرائت‌های اصیل از اسلام کوشیدند. این روند به سرعت اعتقادات مذهبی قفقاز را دستخوش دگرگونی کرد؛ چنان‌که جریان‌های مختلف سلفی در نقاط گوناگون قفقاز یکی پس از دیگری سر بر آوردند. ترویج سلفی‌گری در منطقه فقط ابعاد مذهبی و دینی نداشت، بلکه بر حوزه‌های سیاسی و امنیتی نیز تأثیرات عمیقی بر جا نهاد.

به این ترتیب جریان سلفی، که نخست میان اعراب پدیدار شد، و رشد کرد، دامنه نفوذ و گستره حضور خود را از کشورهای عربی فراتر برد. اگرچه این جریان در سال‌های حیات شوروی نیز هوادارانی در قفقاز داشت، پس از فروپاشی شوروی به شکل آشکار نمایان شد و براساس تحولات پس از آن موفق شد هواداران بسیاری را در این منطقه جذب کند.

باتوجه به تأثیرات عمیقی که جریان‌های سلفی بر حیات اجتماعی و سیاسی قفقاز داشته‌اند و همچنین فضایی که در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی این منطقه به وجود آوردند، هدف اصلی این پژوهش شناخت دقیق ابعاد و زوایای فعالیت آن‌هاست. باید توجه داشت که شناخت قفقاز از لحاظ فصول مشترک آن با ایران (مطال دین، تاریخ، فرهنگ و... همراه مطالعه وضعیت و روندهای جاری در این منطقه از منظر مشخصه‌های گوناگون می‌تواند کمک چشمگیری در مسیر ارتقای فرآیند و کیفیت تصمیم‌سازی سیاسی در سطوح بالا داشته باشد؛ به خصوص که قفقاز، میراث مشترک اقوام مختلفی است که ایران از دیرباز نقش بسزایی در این منطقه داشته است. براین اساس این کتاب به هفت فصل مجزا تقسیم شده است:

فصل نخست با عنوان «سلفی‌گری و جریان‌های سلفی» ابعاد و زوایای گوناگون مفهوم سلفی و جریان‌شناسی آن را بررسی می‌کند. این فصل به دو قسمت مجزا تقسیم شده که در بخش نخست، مباحثی همچون مفهوم و ویژگی‌های فکری سلفی‌گری، پیشینه تاریخی و دیدگاه سلفی‌ها درباره شیعیان بررسی می‌شود. در این بخش کوشیده‌ایم با وجود همه اشتراک‌هایی که جریان‌های سلفی در فروع و مبانی با یکدیگر دارند، آن‌ها را تفکیک و

دسته بندی کنیم؛ چنان که چهار گروه سلفی تبلیغی، سیاسی، تکفیری و جهادی از یکدیگر منفک و تعریف شده اند. هدف اصلی این فصل، ارائه تصویری روشن از مفهوم سلفی و جریان های وابسته به تفکر سلفی گری است؛

فصل دوم با عنوان «مختصات و ویژگی های قفقاز» این منطقه را از ابعاد گوناگون معرفی می کند. این فصل به سه قسمت تقسیم شده است که در بخش نخست جغرافیای تاریخی قفقاز و موقعیت فعلی و تقسیمات موجود در قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی بررسی می شود. در بخش دوم، به ویژگی های قومی - مذهبی قفقاز توجه می شود که تقسیم بندی های زبانی - قومی و تنوع دینی - مذهبی را در بر می گیرد. در بخش سوم نیز به وضعیت سیاسی - امنیتی قفقاز و مباحثی همچون سیاست و حکومت در قفقاز شمالی، چالش های حکمرانی در قفقاز جنوبی و بحران های امنیتی در قفقاز توجه می شود. هدف اصلی این فصل، بیان اطلاعات و آشنایی بیشتر با تاریخ، جغرافیا، تنوع قومی-مذهبی و وضعیت سیاسی و چالش های امنیتی قفقاز است.

فصل سوم با عنوان «اسلام و جریان های سلفی در قفقاز» به بررسی ابعاد و زوایای پیدایش و چگونگی رشد و نمو اسلام و قرانت سلفی گری در منطقه اختصاص دارد. این فصل به دو بخش تقسیم شده است که در قسمت نخست آن تلاش شده، پیوند تاریخ قفقاز با اسلام بررسی شود. در این بخش، درباره چگونگی ورود اسلام به قفقاز، اسلام در دوره تزارها، اسلام در دوره شوروی، تجدید حیات اسلام در دوران استقلال و پیدایش و رشد سلفی گری در قفقاز بحث می شود. در بخش دوم به ویژگی های سلفی گری در قفقاز پرداخته شده است؛ قرانت جهادگرایانه، پیوند با تروریسم و فراجغرافیایی شدن سه مؤلفه مهم اند که ارزیابی شده. هدف اصلی این فصل، آشنایی با چگونگی ورود اسلام و قرانت سلفی گری به منطقه قفقاز و افزون بر آن سیر تاریخی آن است. افزون بر آن در این فصل، ویژگی های سلفی گری در قفقاز بررسی شده است که می تواند تا بسیاری از تمایز جریان های موجود در این منطقه با دیگر نقاط جغرافیایی را مشخص کنند؛

فصل چهارم با عنوان «عوامل گرایش به سلفی گری در قفقاز» به دو بخش عوامل داخلی

و عوامل خارجی تقسیم شده است؛ در بخش نخست، عوامل داخلی همچون فهم نادرست از اسلام و فقدان نظام آموزش مذهبی، تضعیف تصوف در دوران شوروی، درهم‌تنیدگی نزاع‌های قومی و مذهبی، وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی و انگیزه‌های روانی مطرح شده‌اند. در بخش دوم نیز عوامل خارجی مانند تلاش کشورهای عربی برای نفوذ در منطقه و مهاجرت ستیزه‌جویان عرب به قفقاز بررسی شده‌اند. هدف اصلی این فصل، بررسی عوامل و دلایل گرایش مردم قفقاز به سلفی‌گرایی به مثابه تفکری وارداتی، غیربومی و غیرسنتی است؛

فصل پنجم با عنوان «کانون‌های سلفی‌گری در قفقاز» به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخست به مراکز اصلی سلفی‌گری در قفقاز شمالی مانند چچن، اینگوش، داغستان، کاباردینو-بالکاریا، قره‌چای-چرکس و جمهوری‌های مختلط مذهبی پرداخته شده است. بخش دوم به مراکز اصلی سلفی‌گری در قفقاز جنوبی اختصاص دارد که جمهوری آذربایجان و مناطقی از گرجستان را در بر می‌گیرد. هدف اصلی این فصل، ارائه تصویر روشنی از مراکز و کانون‌های اصلی فعالیت سلفی‌ها در منطقه قفقاز است؛

فصل ششم با عنوان «جریان‌شناسی گروه‌های سلفی در قفقاز» به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخست، گروه‌های سلفی در قفقاز شمالی بررسی شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به جمهوری چچن ایچکریا، جماعت قره‌چای، گردان ویژه اسلامی، بریگاد بین‌المللی حافظ صلح اسلامی، کنگره مردمی ایچکریا و داغستان، تیپ شناسایی و خرابکاری ریاض-صالحین، ارتش آزادی‌بخش داغستان، جماعت اینگوش، جماعت شریعت، جماعت یرموک، امارات قفقاز، ارتش مهاجران و انصار، گردان امام شامل، حزب التحریر، تکفیر والهجره، عصبه الانصار و جهاد اسلامی مصر (الجهاد) اشاره کرد. بخش دوم نیز به گروه‌های سلفی در قفقاز جنوبی اختصاص دارند که گروه‌هایی همچون جیش‌الله، ابوجعفر، جماعت آذربایجان، جامعه ابوبکر و جماعت الحق را شامل می‌شود. هدف اصلی این فصل، آشنایی با گروه‌های فعال و غیرفعال در دو حوزه جغرافیایی قفقاز شمالی و جنوبی است. براین اساس تلاش شده است اطلاعات دقیقی از این گروه‌ها مطرح شود؛

فصل هفتم با عنوان «رویکرد دولت‌ها به سلفی‌گری در قفقاز» به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخست آن به رویکرد دولت‌های منطقه به سلفی‌گری اختصاص دارد. در این بخش، رویکرد دو کشور روسیه و جمهوری آذربایجان، که بیشترین رویارویی را با سلفی‌ها داشته‌اند، بررسی شده است. در بخش دوم که به رویکرد بازیگران خارجی به سلفی‌گری در قفقاز اختصاص دارد، مواضع و اهداف بازیگرانی مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، عربستان سعودی، ترکیه، رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران واکاوی شده است. هدف اصلی این فصل، شناخت مواضع، رویکردها، اهداف و ابزارهای بازیگران دولتی در رویارویی با سلفی‌گری در قفقاز است. برخی از این بازیگران می‌کوشند با افکار سلفی‌گرایانه مقابله کنند و برخی دیگر در زمره مروجان و حامیان اشاعه این تفکر جا می‌گیرند.

شعیب بهمن

پاییز ۱۴۰۰